

مقایسه هیجان خواهی و کفایت اجتماعی دختران ساکن مراکز شبانه‌روزی بهزیستی با دختران تحت سرپرستی خانواده

آسیه شریعتمدار^۱، ساحره پورگراوند^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۴/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۷/۱۰

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر مقایسه‌ی هیجان خواهی و کفایت اجتماعی دختران (۲۰-۱۳) بی‌سرپرست و بدسرپرست ساکن در مراکز شبانه‌روزی بهزیستی با دختران تحت سرپرستی خانواده است. روش: روش تحقیق حاضر توصیفی و از نوع پس رویدادی می‌باشد. جامعه آماری ۶۰ نفر است. نمونه‌های تحقیق ۳۰ نفر از گروه دختران بی‌سرپرست و بدسرپرست استان لرستان به صورت در دسترس و ۳۰ نفر از گروه دختران تحت سرپرستی خانواده استان مذکور به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. اطلاعات هر دو نمونه دختران بی‌سرپرست و تحت سرپرست خانواده از طریق پرسشنامه‌های مرتبط یعنی «هیجان خواهی زاگرمین» و «کفایت اجتماعی فلنر» گردآوری شدند. نتایج حاصل از داده‌ها با استفاده از آزمون t برای گروه‌های مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها: یافته‌های تحقیق نشان داد که بین هیجان خواهی و کفایت اجتماعی دختران بی‌سرپرست و بدسرپرست با دختران تحت سرپرستی خانواده تفاوت معنادار وجود دارد. نتیجه‌گیری: می‌توان گفت که جدایی از والدین به عنوان یک رویداد آسیب‌زا می‌تواند آینده و سلامت رشدی و روانی دختران بی‌سرپرست را تحت تأثیر قرار دهد و آن‌ها را دچار آسیب‌های روانی کند.

واژگان کلیدی: بی‌سرپرستی، دختران نوجوان، کفایت اجتماعی، مراکز شبانه‌روزی، هیجان خواهی.

۱- استادیار دانشگاه علامه طباطبائی. s_shariatmadar@yahoo.com

۲ - کارشناس ارشد مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی. samagaravand@yahoo.com

مقدمه

پدیده بی‌سرپرستی از پدیده‌های غمناک جوامع بشری است که به علل گوناگون روی می‌دهد (زهر کار و جعفری، ۱۳۹۰). فقر، فوت والدین، اعتیاد به مواد، الکلیسم، ابتلا به بیماری‌های لاعلاج جسمانی و یا اختلالات روانی و زندانی شدن، از عوامل مؤثر بر بی‌سرپرستی و بد سرپرستی کودکان در جهان است (تامبني،^۱ ۲۰۱۰). این کودکان در مراکز حمایتی تحت سرپرستی قرار می‌گیرند و در همان مراکز سنین رشد خود را طی می‌کنند. خانواده به عنوان مهم‌ترین سازمان اجتماعی جامعه، وظایف و کارکردهایی چون تولید و بقای نسل، تأمین سلامت جسمی و روانی افراد، تأمین خواست‌ها و نیازهای اقتصادی، تربیت و اجتماعی کردن کودکان را بر عهده دارد (فرید، ۱۳۸۷). جدایی از والدین به عنوان یک رویداد آسیب‌زا می‌تواند آینده‌ی رشدی کودک و سلامت روانی آن‌ها را به‌طور جدی تحت تأثیر قرار دهد (رزاقی، ۱۳۹۰). کودک پنهان‌نگه‌داشتن هیجان یا آشکار کردن آن برای دیگران را از خانواده می‌آموزد (گنجی، ۱۳۸۰). گرچه، از نظر ژنتیکی سطح برانگیختگی و شدت واکنش و در واقع سطح هیجانی افراد در برابر محرک‌های محیطی متفاوت است. مغز افراد با هیجان خواهی^۲ بالا به صورتی پیوسته به دنبال تحریک بیرونی است (عرب، ۲۰۱۵)؛ بنابراین به نظر می‌رسد که ویژگی‌هایی ابراز هیجان‌ات در تعامل عوامل ژنتیکی و تربیتی به صورت منش فرد بروز می‌کند.

هیجان خواهی و تنوع جویی در احساسات و تجارب از نیازهای آدمی است (محمی‌الدین بناب، ۱۳۷۴). هیجان خواهی یکی از ویژگی‌های شخصیتی است که به‌وسیله‌ی جستجوی تجربه‌های شدید، احساسات پیچیده، چیزهای تازه و متفاوت، تمایل به خطر کردن در زمینه‌های مالی، قانونی، اجتماعی و جسمانی نشان داده می‌شود (پاتون^۳، ۲۰۱۲)؛ بنابراین جستجوی شور و

1- thombeni

2 -excitement seeking

3 - Patton

هیجان، به صورت نوعی نیاز به احساسات و تجربیات جدید، گوناگون و پیچیده احساس می‌شود و شخص دارای چنین نیازی حاضر است برای به دست آوردن این گونه تجربیات به اعمال مخاطره‌آمیز اجتماعی یا فیزیکی اقدام کند (شلی^۱، ۲۰۰۵).

هیجان خواهی، به عنوان یک بعد شخصیتی، ابتدا توسط آیزنک^۲، (۱۹۷۸) به عنوان یکی از ویژگی‌های شخصیتی برون‌گرایان، مطرح شد. از نظر آیزنک فرد برون‌گرا فردی علاقه‌مند به تعامل اجتماعی است، دوستان فراوانی دارد هیجان‌طلب است و به صورت تکانشی عمل می‌کند (حسینی فر، ۱۳۸۸). افراد دارای هیجان خواهی بالا از وظایف تکراری خسته می‌شوند و برای افزایش انگیزش خود، در پی تجارب هیجانی هستند (عرب، ۲۰۱۵).

زاگرم^۳ (۱۹۷۹) برای هیجان‌طلبی چهار بعد قائل شده است: ماجراجویی یعنی میل به فعالیت‌های بدنی که سرعت، خطر و تازگی داشته باشد، تجربه جویی یعنی جستجوی تجربه‌های نو به کمک مسافرت، موسیقی، هنر، یا سبک زندگی ناهمگون با اشخاصی که گرایش مشابهی دارند، بازداری زدایی یعنی تمایل به تکانشی بودن در برابر هنجارهای اجتماعی و ترجیح دادن موقعیت‌های غیرقابل پیش‌بینی و حساسیت نسبت به یکنواختی یعنی بیزاری از تجارب تکراری، کارهای تکراری و افراد قابل پیش‌بینی (حمزه لو، مشهدی، بافنده، ۱۳۹۰).

ارتباط هیجان خواهی با متغیرهای مختلفی مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج تحقیقات رحمانیان و حسنی (۱۳۸۴) نشان داد که افراد مصرف‌کننده تریاک و هرویین سطح هیجان‌طلبی بالاتری نسبت به افراد عادی دارند. همچنین افرادی که در زیر مقیاس‌های هیجان خواهی نمره بالایی کسب می‌کنند، بیشتر به عنوان افرادی ناسازگار، غیرمتعارف و بدون مهارت‌های پیش‌بینی شناخته می‌شوند (عظیمی، ۱۳۸۷).

1 -shelly

2 -Eysenck

3 - zuckerman

وریا ول کایند، راتر، پیکلز، هوس بم^۱ (۱۹۹۸) در بررسی خود مقایسه‌ای بین کودکانی که مدتی طولانی در مراکز شبانه‌روزی زندگی می‌کردند با کودکانی که با والدین خود زندگی می‌کردند انجام دادند. نتایج تحقیقات نشان داد کودکان (دختر و پسر) ساکن مراکز شبانه‌روزی از لحاظ رفتاری، هیجانی و اجتماعی تفاوت معنی‌داری با کودکانی که با خانواده زندگی می‌کنند دارند. به‌ویژه دختران مراکز شبانه‌روزی از لحاظ هیجانی بسیار آسیب‌پذیرند. تعدادی از پژوهشگران همبستگی‌های معناداری بین وقایع منفی زندگی و اندازه‌های پریشانی روانی در افراد دارای هیجان‌خواهی پایین گزارش کرده‌اند (اسمیت^۲ و هارت ۲۰۰۲). از جمله این وقایع منفی می‌توان به فقدان والدین یا عدم کفایت آنان اشاره کرد. غالب کودکانی که در مراکز رفاهی مثل سازمان بهزیستی به سر می‌برند افراد بی‌سرپرستی هستند که دوران حساس رشدشان را در خانواده‌های ازهم‌گسیخته در اثر طلاق، زندان، اعتیاد، یا مرگ یکی از والدین یا هردوی آنها سپری نموده و از داشتن الگوهای مناسب رفتاری محروم بوده‌اند (اسلامی، ۱۳۷۹). این کودکان به‌جای استفاده از تجارب دیگران ترجیح می‌دهند خودشان مسائل و موفقیت‌های جدید را تجربه کنند (صادقی، ۱۳۸۷). کودکان بی‌سرپرست که از مهم‌ترین منبع حمایتی (والدین) محروم‌اند، دچار آسیب‌های روانی و جسمانی می‌شوند. پدیده بی‌سرپرستی سبب ایجاد فشارهای روحی روانی در نوجوانان ساکن مراکز شبانه‌روزی می‌شود و آنها را با مشکلات محیطی، جسمانی و روانی مواجه می‌کند (الیس^۳، ۲۰۰۴). همچنین تحقیقی که به منظور بررسی عوامل مرتبط با وجود اختلالات در یتیم‌خانه‌های شهر داکا بر روی ۳۴۲ کودک یتیم انجام شد، تأیید کرد کودکان یتیم مستعد ابتلا به اختلالات روانی هستند؛ و اختلالات رفتاری-عاطفی در میان کودکان یتیم شایع است (رهام^۴، مالیک، پاتان و چودری، ۲۰۱۲).

1- Vorria & Wolkind & Rutter & Pickles & Hosbaum

2 - Smith & Hart

3 - Ellis

4 - rahem

کفایت اجتماعی^۱ متغیری پیچیده است که با توانایی فرد در مدیریت هیجانات ارتباط دارد و از سائق‌های انگیزشی، توانایی‌های شناختی، کفایت اجتماعی و مهارت‌های رفتاری ترکیب شده است (کانینگهام، ۲۰۰۹). کفایت اجتماعی در رفتارهای یادگرفته شده به فرد اجازه می‌دهد که با دیگران تعامل کند و عملکرد مؤثری در شرایط گوناگون فردی و اجتماعی داشته باشد (بابوسیک^۲، ۲۰۰۸). نوجوانان با کفایت، میزان پایین‌تری از افسردگی، پرخاشگری و رفتاری را نشان داده‌اند (بوتوین، گریفین^۳، ۲۰۰۲). جوانانی که کفایت اجتماعی بیشتری دارند اعتماد به نفس، جرئت و مهارت‌های ارتباطی بیشتری دارند و کمتر سیگار می‌کشند و الکل می‌نوشند (گریفین، اپستاین، بوتوین، اسپاس^۴، ۲۰۰۱). نتایج تحقیق گلاس^۵ (۲۰۰۶) نشان داد که هر چه احترام به خود بیشتر باشد، فرد کفایت اجتماعی بالاتر خواهد داشت و وابستگی‌های اجتماعی او مانع اعتماد به نفس و استقلال او نخواهد شد.

انسجام خانواده ارتباط مثبتی با شکل‌گیری کفایت اجتماعی در دختران دارد (مارگارت، فرنزین، ویندل، دیتز، کاکرو، الیوت^۶، ۲۰۱۲). نقش حمایتی مادران می‌تواند فرصتی را برای عملکرد مؤثر بر کفایت اجتماعی دختران فراهم کند. مادر به عنوان ارائه‌دهنده امنیت عاطفی، موجب افزایش احساس ارزش در کودکان می‌شود در نتیجه منجر به کفایت اجتماعی مثبت خواهد شد (کیم^۷، ۲۰۰۴).

کودکان بی‌سرپرست یا بد سرپرست که از موقعیت‌های رشدی مهمی محرومند و مراکز شبانه‌روزی نمی‌توانند فراهم‌کننده‌ی این موقعیت‌ها برای کودکان مذکور باشند، احتمال دارد که در دوران نوجوانی از نظر هیجان خواهی و کفایت اجتماعی با همسالان مشابه خود که در

1 - social competency

2 - Babosik

3 - Botvin & Griffin

4 - Griffin & Epstein & Botvin & Spoth

5 - William,s

6 - Margaret & Franzin & Windel & Dittus & Cuccaro & Elliott

7 - kim

خانواده زندگی می کنند، مشکلات بیشتری را تجربه کنند. با توجه به اینکه دو مؤلفه هیجان خواهی و کفایت اجتماعی بر روی گروه‌های مختلف بررسی و مقایسه شده اما بررسی و مقایسه این دو مؤلفه بر روی نوجوانان بی سرپرست در دو موقعیت مراکز شبانه‌روزی و خانواده انجام نشده، این تحقیق در جستجوی پاسخ به این سؤالات است که آیا بین دختران بی سرپرست و بد سرپرست با دختران تحت سرپرستی خانواده از نظر سطح هیجان خواهی و کفایت اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد؟

روش

جامعه آماری، نمونه، روش نمونه‌گیری: تحقیق حاضر از نوع توصیفی مقایسه‌ای (پس رویدادی) است. جامعه آماری، شامل کلیه دختران ۱۳-۲۰ ساله بی سرپرست و بد سرپرست ساکن در مراکز شبانه‌روزی (بهزیستی) استان لرستان و دختران تحت سرپرستی خانواده شهرستان کوهدشت است. به دلیل محدود بودن جامعه آماری برای دختران شبانه‌روزی از نمونه‌گیری در دسترس استفاده شده و برای دختران عادی (از فهرست موجود در بهزیستی) نمونه‌گیری به صورت تصادفی ساده انجام گرفت.

ابزار تحقیق

پرسشنامه هیجان خواهی زاگرمین: مقیاس هیجان خواهی زاگرمین (۱۹۶۸) توسط محوی شیرازی هنجاریابی شد تا مواد این مقیاس با فرهنگ ایرانی منطبق شود. شامل ۴۰ ماده دو عبارتی است که آزمودنی‌ها یکی از عبارات‌ها را انتخاب می کنند. در ازای هر پاسخ هماهنگ با کلید، آزمودنی یک نمره دریافت می کند؛ بنابراین نمره هیجان خواهی فرد می تواند از صفر تا ۴۰ در نوسان باشد. سپس این نمره را می توان بر اساس میانگین و انحراف استاندارد مقیاس تبیین کرد. مثلاً آزمودنی دارای هیجان خواهی خیلی بالا، متوسط بالا، متوسط، پایین تر از

متوسط، پایین و خیلی پایین خواهد بود. عامل یک روی ماده‌های ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۸، ۱۱، ۱۲، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۴، ۲۶، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۳۹ و ۴۰ متمرکز است نام این عامل هیجان خواهی است. عامل دوم تجربه طلبی است که ماده‌های ۱۰، ۱۵، ۱۷، ۲۰، ۲۲، ۲۶، ۳۰، ۳۵، ۳۷ و ۳۸ آن را می‌سنجد. عامل سوم ماجراجویی است که ماده‌های ۶، ۷، ۸، ۲۰ و ۲۶ را به خود اختصاص داده است. عامل چهارم ملال پذیری است و ماده‌های ۱، ۴، ۱۳، ۱۴، ۲۶، ۲۸ آن را می‌سنجد. عامل پنجم ماده‌های ۲، ۴، ۲۱، ۳۰ و ۳۸ را در بردارد که نام این خرده مقیاس تنوع طلبی است. عامل ششم ماده‌های ۲۵ و ۲۸ را به خود اختصاص می‌دهد. (محو شیرازی، مجید، ۱۳۹۰). برای سنجش اعتبار مقیاس هیجان خواهی زاكرمن (ویراست پنجم) در ایران، این مقیاس با مقیاس هیجان خواهی آرنست همبسته شده است. ضریب همبستگی بین این دو مقیاس برای افراد معتاد ۰/۲۹. برای افراد غیر معتاد ۰/۵۵. و برای کل افراد ۰/۴۶. محاسبه شده. این ضرایب همبستگی در سطح ۰/۱ معنی دار هستند. همچنین ضریب پایایی مقیاس هیجان خواهی زاكرمن با روش آلفای کرونباخ برای افراد معتاد ۰/۵۵، برای افراد غیر معتاد ۰/۶۶. و برای کل افراد ۰/۷۳. به دست آمده است (فتحی، مهربانی زاده هنرمند، ۱۳۸۷)

پرسشنامه کفایت اجتماعی: این پرسشنامه ۴۷ سؤالی می‌باشد که توسط فلنر و همکارانش (۱۹۹۰) ساخته شده است. هر سؤال دارای ۷ گزینه است که شامل: کاملاً مخالفم، نمره ۱، مخالفم نمره ۲، تا حدی مخالفم ۳، نظری ندارم ۴، تا حدی موافقم ۵، موافقم ۶، کاملاً موافقم ۷. همچنین سؤالات شماره ۳، ۶، ۸، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۵، ۱۶، ۲۱، ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۳۲، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۴۳، ۴۴ و ۴۵ به صورت معکوس نمره گذاری می‌شود. در ایران در پژوهشی که پرندین (۱۳۸۵) روی نوجوانان تهرانی انجام داد، در نهایت پس از تحلیل عاملی ۴ عامل به عنوان عوامل نهایی پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت که در عامل مهارت‌های رفتاری ۳۴ سؤال شامل سؤالات شماره ۲، ۳، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶ و ۴۷، در عامل آمایه‌های انگیزشی و انتظارات ۷ سؤال شامل سؤالات ۹، ۱۲، ۱۵، ۲۱، ۲۶، ۲۸ و ۲۹، در عامل مهارت‌های شناختی ۳ سؤال

شامل سؤالات ۴، ۱۹ و ۳۱ و در عامل کفایت هیجانی هم ۳ سؤال شامل سؤالات ۱، ۱۴ و ۳۱ قرار می‌گیرد. پرندین (۱۳۸۵) اعتبار پرسشنامه کفایت اجتماعی را در میان نمونه‌ای از دانش‌آموزان به فاصله زمانی چهار هفته از طریق بازآزمایی برابر ۰/۸۹. گزارش داد که نشانگر پایایی مقبول و مطلوب بوده است. پرسشنامه از نظر روایی محتوایی هم بررسی شده و با توجه به پشتوانه نظری که فلنر مطرح کرده، از دیدگاه متخصصان روانشناسی و روان‌سنجی، روایی صوری و منطقی آن تأیید شده است (پرندین، ۱۳۸۵).

یافته‌ها

جدول ۱: میانگین، انحراف معیار، کمترین نمره و بیشترین نمره متغیرها در دختران بدسرپرست و

بی‌سرپرست و عادی

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار	کمترین مقدار	بیشترین مقدار
هیجان خواهی	دختران بد سرپرست	۲۴/۱۴	۵/۶۵	۱۰	۳۶
	دختران عادی	۱۸/۱۹	۶/۷۱	۸	۳۱
کفایت	دختران بد سرپرست	۱۸۵/۱۵	۲۰/۹۶	۱۲۱	۲۱۱
	دختران عادی	۲۰۳/۹۲	۲۰/۲۱	۱۱۸	۲۱۵

همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، میانگین هیجان خواهی دختران بی‌سرپرست و بد سرپرست برابر ۲۴/۱۴ و دختران عادی ۱۸/۱۹ می‌باشد، به بیان دیگر هیجان خواهی در دختران بی‌سرپرست و بدسرپرست بیشتر است. همچنین میانگین کفایت اجتماعی در دختران بی‌سرپرست و بدسرپرست برابر ۱۸۵/۱۵ است و در دختران عادی برابر ۲۰۳/۹۲ می‌باشد به بیان دیگر کفایت اجتماعی در دختران عادی بیشتر است.

جدول ۲: نتایج آزمون لوین، نتایج آزمون t تفاوت میانگین هیجان خواهی و کفایت اجتماعی در میان دختران بی سرپرست و بدسرپرست و دختران عادی

متغیر	آماره لوین	سطح معناداری	آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری
هیجان خواهی	۰/۵۷۸	۰/۴۴۹	۴/۴۵	۱۱۸	۰/۰۰۱
کفایت اجتماعی	۰/۷۲۹	۰/۱۵۲	-۷/۱۲	۱۱۸	۰/۰۰۲

همان گونه که در جدول فوق ملاحظه می‌نمایید، آماره لوین برای بررسی همگنی واریانس‌های متغیر هیجان خواهی در دو گروه دختران بی سرپرست و بد سرپرست و عادی برابر ۰/۵۷۸ می‌باشد، این آماره در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۵ معنادار نمی‌باشد بنابراین می‌توان ادعا کرد که فرض همگنی واریانس‌ها برقرار است. همچنین برای متغیر هیجان خواهی آماره t تفاوت دو گروه دختران بی سرپرست و بد سرپرست و دختران عادی برابر ۴/۴۵ است که با ۱۱۸ درجه آزادی در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ معنادار است. به بیان ساده‌تر با اطمینان بیش از ۹۹ درصد می‌توان ادعا کرد که هیجان خواهی دختران بد سرپرست و بی سرپرست بیش از دختران عادی می‌باشد.

همچنین مندرجات جدول ۲، به این یافته اشاره دارند که فرض همگنی واریانس‌ها برای متغیر کفایت اجتماعی با میزان آماره لوین ۰/۷۲۹ برقرار است. از سوی دیگر مقدار آماره t تفاوت دو گروه دختران بی سرپرست و بد سرپرست و دختران عادی در متغیر کفایت اجتماعی برابر ۷/۱۲ است که با ۱۱۸ درجه آزادی در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ معنادار است. به بیان دیگر با اطمینان بیش از ۹۹ درصد می‌توان ادعا کرد که کفایت اجتماعی دختران عادی بیش‌تر از دختران بی سرپرست و بد سرپرست می‌باشد.

جدول ۳: میانگین، انحراف معیار، مؤلفه‌های کفایت اجتماعی در میان دختران بی‌سرپرست و بدسرپرست و دختران عادی

متغیر	تعداد سؤالات	شماره سؤالات	گروه	میانگین	انحراف معیار
مهارت‌های رفتاری	۳۴	۱۰-۸-۷-۶-۵-۳-۲	دختران بدسرپرست	۱۳۶/۴۰	۲۲/۵۷
		۱۸-۱۷-۱۶-۱۳-۱۱			
		۲۵-۲۴-۲۳-۲۲-۲۰			
		۳۴-۳۳-۳۲-۳۰-۲۷			
آمایه‌های انگیزشی و انتظارات	۷	۴۰-۳۹-۳۸-۳۷-۳۶	دختران عادی	۱۴۶/۲۳	۲۶/۷۸
		۴۵-۴۴-۴۳-۴۲-۴۱			
مهارت‌های شناختی	۳	۴۷-۴۶	دختران بدسرپرست	۲۴/۰۷	۵/۷۵
		۱۵-۲۱-۲۶-۲۸-۲۹			
کفایت هیجانی	۳	۹-۱۲	دختران عادی	۲۸/۶۶	۷/۰۳
		۴-۱۹-۳۱			
کفایت هیجانی	۳	۱-۱۴-۳۵	دختران بدسرپرست	۱۱/۹۴	۴/۶۸
		۴-۱۷			
کفایت هیجانی	۳	۱-۱۴-۳۵	دختران عادی	۱۲/۱۶	۴/۱۰
		۴-۱۷			

همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌نمایید، میانگین مؤلفه مهارت‌های رفتاری کفایت اجتماعی دختران بی‌سرپرست و بدسرپرست برابر ۱۳۶/۴۰ و دختران عادی ۱۴۶/۲۳ می‌باشد، به بیان دیگر مهارت‌های رفتاری کفایت اجتماعی در دختران بی‌سرپرست و بدسرپرست کمتر است. همچنین میانگین مؤلفه آمایه‌های انگیزشی و انتظارات کفایت اجتماعی در دختران بی‌سرپرست و بدسرپرست برابر ۲۴/۰۷ است و در دختران عادی برابر ۲۸/۶۶ می‌باشد. به بیان دیگر آمایه‌های انگیزشی و انتظارات کفایت اجتماعی در دختران عادی بیشتر است.

همچنین مندرجات جدول ۳ نشان می‌دهد که میانگین مؤلفه مهارت‌های شناختی کفایت اجتماعی دختران بی‌سرپرست و بدسرپرست برابر ۱۲/۴۲ و دختران عادی ۱۶/۷۸ می‌باشد، به بیان دیگر مهارت‌های شناختی کفایت اجتماعی در دختران بی‌سرپرست و بدسرپرست کمتر است. همچنین میانگین مؤلفه کفایت اجتماعی در دختران بی‌سرپرست و بدسرپرست برابر ۱۱/۹۴ است و در دختران عادی برابر ۱۲/۱۶ می‌باشد. به بیان دیگر کفایت اجتماعی در دختران عادی بیشتر است.

جدول ۴: نتایج آزمون لوین، نتایج آزمون t تفاوت میانگین مؤلفه‌های کفایت اجتماعی در میان دختران بی‌سرپرست و بدسرپرست و دختران عادی

متغیر	آماره لوین	سطح معناداری	آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری
مهارت‌های رفتاری	۲/۳۱۴	۰/۱۳۱	-۲/۹۸	۱۱۸	۰/۰۴
آمایه‌های انگیزشی و انتظارات	۰/۸۴۳	۰/۳۶۱	-۵/۵۱	۱۱۸	۰/۰۰۱
مهارت‌های شناختی	۰/۰۷۶	۰/۷۸۹	-۳/۵۶	۱۱۸	۰/۰۲
کفایت هیجانی	۴/۲۹۹	۰/۰۴۰	-۱/۳۹	۱۰۶/۰۷۱	۰/۰۷۱

با توجه به مندرجات جدول ۴، تنها تفاوت‌های بین مؤلفه‌های مهارت‌های رفتاری، آمایه‌های انگیزشی و انتظارات و نیز مؤلفه مهارت‌های شناختی در سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ معنادار است و این تفاوت‌ها در همه مؤلفه‌ها به نحوی است که کفایت اجتماعی در دختران عادی بیش از دختران بی‌سرپرست و بدسرپرست می‌باشد.

بحث و نتیجه

هدف تحقیق حاضر مقایسه هیجان خواهی و کفایت اجتماعی دختران بی‌سرپرست و بدسرپرست ساکن در مراکز شبانه‌روزی (بهزیستی) با دختران تحت سرپرستی خانواده بود. نتایج تحقیق نشان داد که تفاوت معناداری بین دو گروه وجود دارد. داده‌ها در تأیید فرضیه اول

حاکمی از تفاوت معنادار بین هیجان خواهی دختران بی سرپرست ساکن در مراکز شبانه‌روزی با دختران تحت سرپرستی خانواده بود؛ یعنی دختران بی سرپرست هیجان خواهی بیشتری از دختران تحت سرپرستی خانواده نشان دادند.

این یافته همسو با یافته‌ی وریا و کاینده، راتر، پیکلز، هوس بم^۱ (۱۹۹۸) می‌باشد. این پژوهشگران در بررسی خود تفاوت معنی‌داری بین کودکانی که مدتی طولانی در مراکز شبانه‌روزی زندگی می‌کردند با کودکانی که با والدین خود زندگی می‌کردند در زمینه‌های رفتاری، هیجانی و اجتماعی مشاهده کردند. به‌ویژه دختران مراکز شبانه‌روزی از لحاظ هیجانی بسیار آسیب‌پذیر بودند. همچنین با یافته‌های گراک، مو همدرینو، نیکوفوروا، پالمو (۲۰۰۵) همسو است. نتیجه تحقیق آنان این بود که محیط شبانه‌روزی‌ها از نظر عاطفی، هیجانی و اجتماعی دارای مشکلات و نواقصی اساسی است و اکثر ساکنین در این مراکز از نظر رشد روانی، اجتماعی و شناختی از همسالان خود که با خانواده زندگی می‌کنند عقب‌تر هستند. نتایج تحقیقات کاپلان^۲ (۱۹۹۸)، سیمزک^۳، ارول^۴، اوزتب^۵، مونیر^۶، تیزارد^۷ و هاجز^۸ (۲۰۰۶) و وینر^۹، ساندل^{۱۰}، لوف هولم^{۱۱}، هملج^{۱۲} (۲۰۰۶) در تایید این تحقیق نشان داده که شیوع اختلالات رفتاری و هیجانی در کودکان بی سرپرست و بد سرپرست بیشتر از کودکان عادی است.

1 - Vorria &Wolkind &Rutter &Pickles & Hosbaum

2 - Kaplan

3 - simsek

4 - Erol

5 - oztop

6 - Munir

7 - Tizard at all

8 - Hodgez

9- vinner

10- Sundell

11- Lofholm

12- Homlesjo

به نظر می‌رسد سکونت در محیط‌های یکنواخت شبانه‌روزی‌ها موجب بیزاری از تجارب تکراری، کارهای تکراری و حساسیت به یکنواختی و شکل‌گیری ماجراجویی و هیجان خواهی بیشتر شده است (زاگرم، ۲۰۰۵). از طرفی این احتمال وجود دارد که فقدان الگوهای برای شکل‌گیری شخصیت موجب پرورش هویت‌های سردرگم و اجتنابی افراد ساکن در این مراکز شود که با هیجان خواهی ارتباط مثبت و معنادار دارد (رحمانیان و حسنی، ۱۳۸۴).

فرضیه دوم تحقیق مبنی بر تفاوت بین کفایت اجتماعی دختران بی‌سرپرست با دختران عادی بود که داده‌ها تفاوت معناداری را در دو گروه نشان داده است. به این معنی که کفایت اجتماعی دختران بی‌سرپرست کمتر از دختران عادی است؛ بنابراین این تحقیق با نتایج تحقیقات (کیم، ۲۰۰۴، مارگارت، ۲۰۱۲) که نشان دادند انسجام خانواده ارتباط مثبتی با شکل‌گیری کفایت اجتماعی دختران دارد و همچنین پژوهش کاظمی، افتخاری، سلوکیان (۲۰۱۰) دال بر اینکه نقش حمایتی والدین به‌خصوص مادران می‌تواند فرصت مناسب‌تری را برای عملکرد مؤثرتر و کفایت اجتماعی دختران فراهم کند همسو است؛ بنابراین بر اساس نتایج این تحقیق و تحقیقات انجام گرفته می‌توان گفت که جدایی از والدین به عنوان یک رویداد آسیب‌زا می‌تواند آینده و سلامت رشدی و روانی کودکان بی‌سرپرست را تحت تأثیر قرار دهد و آن‌ها را دچار آسیب‌های روانی و جسمانی کند (صادقی، ۱۳۸۷). چرا که خانواده به فرزندان یاد می‌دهد چگونه با محیط اطرافش سازگار شود (گنجی، ۱۳۸۰). بی‌سرپرستانی که در مراکز بهزیستی به سر می‌برند به دلیل از هم گسیختگی خانواده از داشتن الگوهای مناسب رفتاری محروم هستند (اسلامی، ۱۳۷۹). نتایج این تحقیقات نشان داده‌اند، که اکثر کودکان ساکن در مراکز شبانه‌روزی از نظر رشد روانی اجتماعی و شناختی از کودکان همسال خود که در خانواده زندگی می‌کنند عقب‌تر هستند (گراک، ۲۰۰۵) و شیوع اختلالات رفتاری و هیجانی در آن‌ها بیشتر از کودکان عادی است (مجبی، وینر، ۲۰۰۶، سیمزک، ۲۰۰۰ و کاپلان، ۱۹۹۸). به رغم مطالعاتی که هیجان خواهی را در جمعیت‌های مختلف مورد بررسی قرار دادند، این مقوله در ایران در مورد افراد بی‌سرپرست ساکن در مراکز شبانه‌روزی بهزیستی چندان مورد توجه و

بررسی قرار نگرفته، در مورد کفایت اجتماعی این گروه نیز مطالعه‌ای مشاهده نشده. با توجه به اینکه تحقیق حاضر هیجان خواهی دختران بی‌سرپرست را بیشتر از دختران عادی و از نظر کفایت اجتماعی کمتر ارزیابی کرده، لازم است بررسی‌های بیشتری با در نظر گرفتن عواملی مانند یکنواخت بودن زندگی، الزامات، بازدارنده‌های عاطفی در این گروه صورت گیرد. اندک بودن جامعه دختران بی‌سرپرست و مشکل دسترسی به آن‌ها مسئله‌ای بود که روند تحقیق را با محدودیت مواجه کرد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود پژوهش‌ها در سطح وسیع‌تری در استان‌های دیگر نیز در مورد دختران و پسران بی‌سرپرست انجام گیرد.

منابع

- اسلامی، رضا. (۱۳۷۹). شمه‌ای از وضعیت روانی، رفتاری و ویژگی‌های فرزندان خانه‌های کودکان و نوجوانان شبانه‌روزی‌ها و تعاملات آن‌ها با مربیان، همسالان و محیطشان و جنبه‌های افتراقی با خانواده، مشهد مجتمع خدمات بهزیستی پانزده خرداد ۲.
- پرندین، شیما. (۱۳۸۵). ساخت پرسشنامه کفایت اجتماعی و هنجاریابی آن در نوجوانان شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی.
- پزشکی، شهلا. (۱۳۸۲). بررسی میزان اثر بخشی راهبردهای مداخله شناختی، رفتاری بر اساس مدل چهاربعدی کفایت اجتماعی فلنر در رفتار سازشی ناتوانی ذهنی خفیف ۱۸-۱۴ ساله منطقه غرب تهران، رساله دکتری دانشگاه علامه طباطبائی.
- حصیریافی، سمیه. (۱۳۸۸). بررسی مقایسه اختلالات رفتاری کودکان پیش‌دبستانی تحت سرپرستی سازمان بهزیستی و خانواده‌های شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی.
- حمزه لو، محمد؛ مشهدی، علی؛ بافنده، حسین. (۱۳۹۰). نقش نشانه‌های ADHA در تهیج طلبی و مشکلات هیجانی-رفتاری در پیش‌بینی سوء مصرف مواد و نوجوانان بزهکار، فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی، ۴(۲) ۶۰-۴۵.

- حسینی فر، جعفر. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین هیجان خواهی و میزان رضایت زناشویی در جانبازان مبتلا به PTSD در شهر اردبیل، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده روانشناسی دانشگاه علامه طباطبائی.
- رحمانیان، مهدیه؛ حسینی، جعفر. (۱۳۸۴). مقایسه هیجان طلبی در افراد سوء مصرف کننده مواد و افراد بهنجار، فصلنامه اندیشه و رفتار مجله علوم پزشکی، روانشناسی بالینی تهران، ۱۱(۳) ۳۳۵-۳۴۱.
- رزاقی، رضا. (۱۳۹۰). ارزیابی سلامت جنسی نوجوانان تحت مراقبت شبانه روزی و اثربخشی برنامه جامعه آموزشی جنسی (بر ارتقاء دانش، نگرش، خودپنداره جنسی)، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده روان شناسی دانشگاه علامه طباطبائی.
- زهراکار، کیانوش؛ جعفری، فروغ. (۱۳۹۰). مشاوره خانواده (مفاهیم و تاریخچه، فرایند و نظریه ها). تهران: نشر ارسباران.
- سالاری، هادی؛ سجادی، سید علیرضا. (۱۳۸۴). مقایسه میزان اضطراب در نوجوانان ساکن در شبانه روزی با نوجوانان ساکن در خانواده. مجله طب شرق، ۷(۱) ۱۵-۱۹.
- شکیبیا، منصور؛ ضیایی، مریم. (۱۳۹۱). مقایسه سلامت روان دختران دانش آموز تحت سرپرستی مراکز شبانه روزی بهزیستی با دختران دانش آموز دبیرستان در شهر زاهدان، مجله تحقیقات علوم پزشکی زاهدان، ۱۴(۲) ۶۰-۵۶.
- صادقی، سماء. (۱۳۸۷). بررسی کیفیت زندگی دختران ساکن مراکز قرنطینه بهزیستی و ارتباط آن با انتظارات آن ها از مراکز و پس از ترخیص از مراکز، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- عظیمی، مرتضی (۱۳۸۷). رابطه بین هیجان خواهی، سبک های هویت و میزان اعتیاد پذیری دانش آموزان پسر مقطع پیش دانشگاهی شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده روانشناسی دانشگاه علامه طباطبائی

- فتحی، کیهان؛ مهربابی زاده هنرمند، مهناز (۱۳۸۷). بررسی میزان افسردگی، هیجان خواهی، پرخاشگری، سبک‌های وابستگی و تحصیلات والدین به عنوان پیش‌بین‌های وابستگی به مواد مخدر در نوجوانان پسر شهر اهواز. *مجله مطالعات تربیتی و روان‌شناسی* ۹(۲) ۲۳-۴۵.
- فرید، محمد صادق (۱۳۸۷). *درآمدی بر خانواده و خویشاوندی (انسان‌شناسی خانواده و خویشاوندی)*. تهران: نشر دانه.
- گنجی، حمزه (۱۳۸۰). *بهداشت روانی*. تهران: نشر ارسباران.
- محی‌الدین بناب، مهدی (۱۳۷۴). *روانشناسی انگیزش و هیجان*. تهران: نشر دانا.
- محوی شیرازی، مجید (۱۳۹۲). آماده‌سازی. *هنجاریابی مقدماتی آزمون هیجان خواهی زاگرمین*. دانشگاه علامه طباطبائی.
- مصلحی، مرضیه (۱۳۷۳). بررسی وضعیت شخصیتی دختران بی‌سرپرست شبانه‌روزی‌ها و مقایسه با دختران تحت سرپرستی والدین بر اساس تست MMPT. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت‌معلم.
- معاونت امور اجتماعی، امور شعبه خانواده بهزیستی سازمان بهزیستی استان تهران، (۱۳۹۲).
- Arab, A. (2015). The Relationship between Sensation Seeking and Risky Behaviors in Addicts (Case Study: Iran, Kermanshah Province). *International Research Journal of Applied and Basic Sciences*. 9 (5): 701-705.
- BÁBOSIK, Z. (2008). Social competences. *Practice and theory in systems of education*, 3(1), 23-26.
- Botvin, G. J., & Griffin, K. W. (2002). Life skills training as a primary prevention approach for adolescent drug abuse and other problem behaviors. *International journal of emergency mental health*.
- Cheung, S. S. (2005). *Illegal Download Attitudes, Leisure Boredom, Sensation Seeking and Value of Honesty* (Doctoral dissertation, The Chinese University of Hong Kong Hong Kong).
- Doran-Cunningham, J. (2009). *Empirical validation of a model of social competence and aggression for adolescents*. ProQuest.
- Ellis, B. H., Fisher, P. A., & Zaharie, S. (2004). Predictors of disruptive behavior, developmental delays, anxiety, and affective symptomatology among

institutionally reared Romanian children. *Journal of the American Academy of Child & Adolescent Psychiatry*, 43(10), 1283-1292.

-Griffin, K. W., Epstein, J. A., Botvin, G. J., & Spoth, R. L. (2001). Social competence and substance use among rural youth: Mediating role of social benefit expectancies of use. *Journal of Youth and Adolescence*, 30(4), 485-498.

- Groark, C. J., McCall, R. B., Muhamedrinov, R., Nikofova, N., & Palmov, O. (2005). Characteristics of children, caregivers, and orphanages for young children in St. Petersburg, Russian Federation. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 26(5), 477-506.

- Kaplan, B. J., Crawford, S. G., Fisher, G. C., & Dewey, D. M. (1998). Family dysfunction is more strongly associated with ADHD than with general school problems. *Journal of Attention Disorders*, 2(4), 209-216.

- Kazemi, A., Ardabili, H. E., & Solokian, S. (2010). The association between social competence in adolescents and mothers' parenting style: A cross sectional study on Iranian girls. *Child and Adolescent Social Work Journal*, 27(6), 395-403.

Kim, J., & Cicchetti, D. (2004). A longitudinal study of child maltreatment, mother-child relationship quality and maladjustment: The role of self-esteem and social competence. *Journal of abnormal child psychology*, 32(4), 341-354.

- Kurtz, C., Bunzell, M., & Nagler, S. (1993). Anxiety and autonomy in adolescence among father-orphaned kibbutz children. *Journal of adolescence*, 16(4), 457-462.

- Mthombeni, H. M. (2010). *Factors in the family system causing children to live in the streets: a comparative study of parents' and children's perspectives* (Doctoral dissertation, University of Pretoria).

- Patton JH. (2012). *Sensation Seeking*. In V. S. Ramachandran (Ed.), *Encyclopedia of Human Behavior* (Second Edition) (pp. 359-365). San Diego: Academic Press.

- Rahman, W., Mullick, M. S. I., Pathan, M. A. S., Chowdhury, N. F., Shahidullah, M., Ahmed, H. & Rahman, F. (2012). Prevalence of Behavioral and Emotional Disorders among the Orphans and Factors Associated with these Disorders. *Bangabandhu Sheikh Mujib Medical University Journal*, 5(1), 29-34.

- Simsek, Z., Erol, N., Öztop, D., & Münir, K. (2007). Prevalence and predictors of emotional and behavioral problems reported by teachers among institutionally reared children and adolescents in Turkish orphanages compared with community controls. *Children and Youth Services Review*, 29(7), 883-899.

- Smith, P. K., & Hart, C. H. (Eds.). (2002). *Blackwell handbook of childhood social development*. Blackwell Publishers.

-
- Tizard, B., & Hodges, J. (1978). The effect of early institutional rearing on the development of eight year old children. *Journal of child psychology and psychiatry*, 19(2), 99-118.
 - Vinnerljung, B., Sundell, K., Löfholm, C. A., & Humlesjö, E. (2006). Former Stockholm child protection cases as young adults: Do outcomes differ between those that received services and those that did not?. *Children and Youth Services Review*, 28(1), 59-77.
 - Vorria, P., Rutter, M., Pickles, A., Wolkind, S., & Hobsbaum, A. (1998). A comparative study of Greek children in long-term residential group care and in two-parent families: I. Social, emotional, and behavioural differences. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 39(02), 225-236.
 - Williams, K. L., & Galliher, R. V. (2006). Predicting depression and self-esteem from social connectedness, support, and competence. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 25(8), 855-874.
 - Zuckerman, M., Eysenck, S. B., & Eysenck, H. J. (1978). Sensation seeking in England and America: cross-cultural, age, and sex comparisons. *Journal of consulting and clinical psychology*, 46(1), 139.
 - Zuckerman, M. Sensation seeking: beyond the optimal level of arousal, 1979. *Earlbaum, Hillsdale, NJ*.